

● ○ عطر گلاب و سربندهای سیاه

● ○ دختران نوجوان، مسئول بخش خانم‌ها

امروز دختران پذیرایی شبستان را عهده دار هستند. برخی بامشک‌های چرمین، آب به عزاداران تعارف می‌کنند. جای خانه شبستان هم مسئولیتش با دخترهای نوجوان است و تدارکات پذیرایی شان منظم و آماده است. مهدیه موحدی مسئولیت بخش دختران جوان از انتظامات گرفته تا پذیرایی شبستان را عهده دار است و ریحانه حسینی مسئولیت نوجوانان دختر را دارد. مهدیه می‌گوید: خانم سعیده امیرثالث از قدیمی‌های مسجد و سرگروه انتظامات دختران است و اعظم رحمانی هم مسئولیت کارگاه حسینی مادران را برعهده دارد. کل امور حسینیه مادران که در صحن حیاط علم می‌شود و قرار است خانم‌ها در آنجا از مراسم فیض ببرند، با گروه دختران است. مادر حسینیه کودک هم نیروی انتظامات و خادم المهدی داریم که پنج دختر دبستانی هستند و دو خانم جوان.

ادامه صحبت هایمان با حاج آقای آریانی مقابل ایستگاه صلواتی است. صندلی‌هایی حوالی ایستگاه چیده شده است تا هرکس به هر دلیلی خواست در فضای بیرون بنشیند و از روضه فیض ببرد، بتواند. بعضی مسن هستند و برخی کودک والبتیه مادرانی هم حضور دارند که فرزند خردسالشان روی پیشان است. از مسیر خیمه تا ورودی مسجد، یک دالان با دیواره‌های پارچه‌ای کنفی درست شده است که مهمانان برای ورود به شبستان باید از آن عبور کنند. از سقف دالان حسینی، پارچه‌هایی به رنگ‌های سبز و قرمز و مشکی در اندازه سربند آویزان شده است. عطر گلاب مشام مهمانان را پر می‌کند. بعد عبور از دالان به کفش‌داری مسجد می‌رسیم و بعد هم شبستان است. مردها در محل جایگاه روضه خوان و خانم‌ها هم در قسمت عقب شبستان حضور دارند. بی‌اینکه دغدغه‌ای در نگهداری از فرزندانشان داشته باشند. حسین^(ع) حسین^(ع) گویان سینه می‌زنند. صدای روضه خوان در فضای شبستان می‌پیچد. اینجا دکور محرم هم هر سال تغییر می‌کند. رنگ لوستر قرمز می‌شود و نورپردازی‌هایی هم در سقف انجام می‌شود که پوریا عابدی، مسئول گروه نوجوانان آن است.

هر سال حدود ۲ هزار مخاطب حسینی، میهمان این مسجد در این روزها هستند و همین بچه‌ها صفر تا صدر سیدگی‌ها را برعهده دارند. امسال بودجه برای پخت غذا فقط کفاف پنج روز آخر دهه را می‌دهد. اما سال گذشته در همه ۱۰ شب پذیرایی شام داشته‌اند و آشپزی در خانه محسن آقاخانی که یک جوان دهه هفتادی بوده، انجام می‌شده است. همه کارهای آبکشی برنج و صفر تا صدر پخت خورش و کارهای دیگر برعهده چندین نوجوان دهه هشتادی بوده است.

حجت الاسلام والمسلمین آریانی وقتی درباره ساز و کار آشپزخانه حرف می‌زند، چشمانش از توانمندی‌های کشف شده در وجود این بچه‌ها از شوق برق می‌زند: «شاید باورش برای خیلی‌ها سخت باشد. بچه‌ها در طول سال به بهانه مناسبت‌های پخت غذا برای تعداد زیاد مهمان تجربه کرده بودند. این روزهای محرمی معمولاً درس‌ها را خیلی خوب پس می‌دهند. محسن و نوجوان‌های دیگری که با او در آشپزخانه همکاری داشتند، در روزهای محرم سال گذشته بسیار خوش درخشیدند.»

بعد از محرم، همسایه‌های مسجد برای اینکه از پخت بعضی غذاهای بچه‌ها مانند سبزی پلو با گوشت خیلی راضی بودند، به آن‌ها برای مهمانی‌های بزرگشان تا پنجاه نفر هم سفارش غذا می‌دادند. محسن آقاخانی ادامه حرف‌های حاجی را می‌گیرد و می‌گوید: درست است که مادرهایمان در آن خانه بودند و تدارکات شربت و بسته‌بندی غذاها و کارهای خرده ریز را انجام می‌دادند ولی اصل پخت و پز کار تیم نوجوانان بود. حتی آبکش کردن برنج را خودمان انجام می‌دادیم.

حاجی لیخندی می‌زند و می‌گوید: ما بارها دیده بودیم که دست و بالشان از بخار دیگ یا آب داغ برنج می‌سوخت، اما خم به ابرویشان نمی‌آوردند.

● ○ اینجا خبری از امرو نهی نیست

با بچه سخت نیست، می‌گوید: اینجا علاوه بر حسینیه کودک، مهد حسینی برای نوزادان دارد که از فرزند انمان در ساعات عزاداری مراقبت می‌کنند: همچنین بچه‌های کوچک که مدرسه نمی‌روند، می‌توانند آنجا بازی کنند و نقاشی بکشند و برنامه‌های دیگری هم برای آن‌ها تدارک دیده شده است. اما الان فرزند من در آغوش پدرش در قسمت مردهاست تا کمی روضه حسینی بشنود. هر دو معتقدند با اینکه سختی مسیر دور تا این مسجد را به جان خریده‌اند، ارزشش را دارد: چون این مسجد زنده است و زندگی در آن در همه روزهای سال با برنامه‌های مفصلی که برای کودکان و نوجوانان دارند، جریان دارد.

بین جمعیت، هانیه شفیع همراه دختر جوانش وارد شبستان می‌شود. حسش درباره این مسجد خیلی خوب است. می‌گوید: خدا خیر روحانی این مسجد را بدهد که هوشمندانه بچه‌های نوجوان را دور هم جمع کرده و بسیار در تربیت اخلاقی و دینی آن‌ها مؤثر بوده است. سه سال است که با این مسجد آشنا هستیم. گاهی از روحانی جوان مسجد می‌خواهم پسر هم به اینجا بیاید و کمک دست کارهایشان باشد. همان روز که برمی‌گردد، تغییرات بسیاری را حس می‌کنم. حاج آقا هیچ چیز را به بچه‌ها امرو نهی نمی‌کند و آن‌ها اینجا آزادانه بازی و شوخی می‌کنند و بی‌آنکه متوجه نشوند، تعلیم هم می‌بینند. از شیشه شیری که دست دختر خانم شفیع است، متوجه می‌شوم که نوزاد دارد. وقتی می‌پرسم



● ○ همه کارشان را بلدند

کم‌کم مراسم رو به پایان می‌رود. عزاداران حسینی برای نوشیدن چای آخر روضه خارج می‌شوند. حاجی مدام به بخش‌های مختلف و کار بچه‌ها سر می‌زند، اما هیچ حرفی با بچه‌ها نمی‌زند. معتقد است که «اینجا همه مسئولیتشان مشخص است و کار را بلدند. نیازی به حرص و جوش و نگرانی نیست.» دوباره بچه‌ها سینی‌های رویی گرد را با استکان‌های تمیز روی سکوی ایستگاه می‌گذارند و کارشان را ادامه می‌دهند. اثری از خستگی در چهره بچه‌ها دیده نمی‌شود. هر چه هست، شوق خدمت است که خوب می‌توانی در تکاپویشان برای پذیرایی از مهمانان حسینی ببینی. حاجی می‌گوید: ما اینجا یک مدل زیست جمعی را تجربه می‌کنیم. یک مدل زندگی دقیق اجتماعی اسلامی که هرنوجوانی در چالش‌های زندگی امروز به آن نیاز دارد. اینجا مدل تربیتی نوجوانان در میدان تمرین می‌شود. همه مسجد‌ها و حسینی‌ها نوجوان دارند. شاید مساجد دیگر از نوجوانان بخواهند در زمینه مکتبی یا مؤذنی برای نمازهای مسجد مشارکت کنند. در مسجد المنتظر^(عج) اما اصراری به این نیست: «ما از نوجوان کار جدید می‌خواهیم. به جز آموزش مکتبی و چوب‌پر به دست نوجوان دادن برای خادمی و پذیرایی، صفر تا صدر مراسم را به نوجوان‌هایمان که حدود پنجاه نفر هستند، سپرده‌ایم. این فعالیت‌های یک بعدش خدمت به مهمانان حسینی است و یک بعدش تعلیم بچه‌هاست. هر قدر کار سنگین تر باشد، این بچه‌ها با تجربه‌تر می‌شوند. به همین دلیل من دوست دارم بتوانیم هر شب شام بدهیم.» همین می‌شود که وقتی یکی از معلمان مدرسه به سبحان انگ کاری اشتباه را می‌زند، می‌ایستد و محکم می‌گوید: آقا من بچه مسجدی‌ام. این کارها را ما بر نمی‌آید.

● ○ ریش سفیدان آبروی مجلس‌اند

اکنون برای محرم، بیش از ۳۵ نوجوان به خدمت مشغول‌اند و حدود بیست نفر در سنین بالاتر و یک گروه از ریش سفیدان و پیر غلام‌ها هم بر کارشان نظارت دارند تا به قول حاج آقا آریانی، جوان‌ترها از اصول ملی و دینی منحرف نشوند. به نوعی معتمدان و بزرگ‌ترها آبروی مجلس‌اند و حمایت‌های معنوی و مادی بسیاری انجام می‌دهند. مجتبی آریانی می‌گوید: آن‌ها از قدیم هم به این فرمایش امام صادق^(ع) عمل می‌کنند که فرمودند نوجوان‌های قومتان را در یابید. بزرگ‌ترها اینجا در نمازها و برنامه‌ها حضور دارند و همیشه ما را راهنمایی می‌کنند. این مسجد در دهه ۷۰ حاج آقا سید حسین موسوی را داشت که معلم بود و با حضورش، مسجد پراز کودکان و نوجوانان می‌شد. حاج آقا موسوی الان هم در کنار مسجدی‌ها حضور دارد و راهنمایی‌شان می‌کند.

